



## موقعیت اجتماعی، تعاملات کاری و غیر کاری با نزدیکان

# می شود برای محبت و احساس

## ساعت خاموشی تعیین کرد؟

و فضای حرفه ای آسیب می زند، بلکه راه را برای شکل گیری دوستی خاله خرسه که فایده ای برای هیچ کدامان ندارد باز می کنید. به طور کلی اگر این اصل را بپذیریم که در هر موقعیت و نسبت شغلی و کاری، تعهد، تخصص، وجدان کاری، شایستگی و لیاقت حرف اول را در رشد فردی و جمعی می زند، دیگر مواجهه نقش ها در ما به تداخل و اختلال تبدیل نمی شود، تا پایان روز کارها را کنار هم پیش می بریم و موقع خروج از محل کار، نقش و تعاملی را که نسبت به هم داریم به کار می گیریم.

بودن با همسر در محیط کار و گفت و گو و تعامل با همکاری دیگر) روزمره، معمولی و پذیرفته شده هستند، اما قرار گرفتن هر دو در یک زمان، چالش زا به نظر می رسد. قصه بیش از این است. ممکن است ترفیع شغلی شما به خاطر شایستگی و لیاقت شما باشد، اما همه آن را متأثر از موقعیت همسران ببینند که مدیرفان واحد سازمان شماست. بنابراین انتخاب همکاری در کنار همسر هم بودن، نیاز به آگاهی و پذیرش هر دو وجه مثبت و منفی دارد.

### دوستی کی آخر آمد، دوستان را ر چه شد!

یکی دیگر از حالت های مواجهه و تداخل نقش ها این است که نسبت خونی و سببی با هم ندارید، اما اتفاقاً موقعیت عاطفی چالشی تری برایتان پیش بیاید. اینکه دوستان واسطه حضور شما در یک گروه شغلی یا یک سازمان برای کار بوده باشد و با هم همکاری شوید. اینکه دوست شما همکاری شما هم باشد اتفاق بدی نیست، اما به انتخاب و خواست خودتان و در بازه زمانی قابل توجه نوعی از تعامل و ارتباطات انسانی میان شما و دوستان شکل گرفته که چون بعد عاطفی آن وابسته به خون نیست و خودتان آن را ساخته اید، ممکن است آسیب پذیری روحی بیشتری نسبت به آن داشته باشید. مثلاً ممکن است در شما و دوستان این توقع ایجاد شود که در هر موقعیت و پیشامدی در کار، پشت هم باشید یا اینکه شبیه بقیه با هم رفتار نکنید و این نسبت طور باشد که برخلاف نسبت والد و فرزند اتفاقاً بخواهید بقیه بدانند شما و همکاران علاوه بر همکاری، با هم دوست هم هستید، اما باید بگوییم مناسبات کاری، مسائل شغلی و حرفه ای و محیط پیرامون نسبت به این دوستی بی تفاوت است و این فقط میان خودتان ارزشمند است، آن هم زمانی که در کار شما تداخل ایجاد نکند. اینکه به هر علتی کارتان را درست پیش نبرید و توقع داشته باشید دوستان ادامه کار را بدون نقص و در واقع نقص شما را به علت رفاقت و دوستی پیش ببرد، به محیط بیرون و کار آسیب می زند. اگر فقط به این دلیل که ممکن است از هم ناراحت شوید از یکدیگر انتقاد نکنید و پیشنهاد اصلاح ندهید، نه تنها به خود کار

عواملی است که کمک می کند هر دو طرف ماجرا دست به انتخاب بزنند و آقا زادگی را به حاشیه ببرند. این تازه حالت آسان ماجراست.

### طعم تلخ واقعی آقا زادگی

چند وقت پیش مطلبی تحلیلی درباره سینمای هالیوود خواندم. مطلب درباره این بود که فرزندان بسیاری از ستارگان و افراد صاحب نفوذ در هالیوود، بسیار راحت تر از افراد با استعداد اما بدون پارتی وارد این صنعت می شوند، اما از خود آقا زادگی که بپرسم شاید خیلی راضی نباشند، چون اگر چه در ابتدای مسیر پیشرفتشان کار برایشان راحت می شود، اما وقتی فرزند چهره مشهوری هستند سایه نام والدینشان جلوی پیشرفتشان را می گیرد و همه مردم آنها را نه با نام خودشان که با عنوان «فرزند فلان فرد مشهور» می شناسند. این یکی از مصایب آقا زادگی و نسبت خونی داشتن در شغل است. حالت سخت دیگر این است که والدین از آن طرف بوم بیفتند. مثلاً کودکی را به خاطر بیابوردی که پدر یا مادرشان معلمشان بودند و با فشاری دو جانبه در مدرسه و خانه برای درس خواندن فرزندانشان، آنها را نسبت به تحصیل و کسب تجربه محافظه کار، ترسو و سرد کردند. یا پدر و مادری که استعداد کودکشان را ندیدند و از او خواستند مانند خودشان دکتر، وکیل، مهندس و... شود تا به راحتی بتوانند آنها را وارد محل کارشان کنند، غافل از اینکه مسیر رشد و پیشرفت فرزندشان مثلاً در موسیقی، هنر، معماری و... باشد. بنابراین پدیده آقا زادگی برای والدین و فرزندان همان قدر که امکان و فرصت است، به همان اندازه هم می تواند محدود و خطرناک باشد. چه بسیار والدینی که در شکل های مختلف نسبتشان را با فرزندان خود قطع کرده و اعلام عمومی کرده اند که حتی این فرد فرزند آنها نیست و چه بسیار فرزندان که برای رسیدن به علایق خود، مخفی کرده اند که پدر و مادرشان کیست و تمام اینها سبک زندگی فردی و اجتماعی افراد و شبکه ای را که با آن در ارتباط و تعاملند تحت تأثیر قرار می دهد.

### «من همسرش هستم»

اینکه مثلاً شما دانشجوی همسران باشید یا همسران مرئوس شما باشد، اگر چه ممکن است در نظر و حرف بسیار زیبا، جذاب و حتی عاشقانه باشد که خب زمان بیشتری را کنار هم می گذرانید و بهتر از مسائل و مشکلات بیرون از خانه نسبت به هم با خبرید، اما این هم شبیه آقا زادگی دو طعم تلخ و شیرین را با هم دارد. تداخل نقش همسری و همکاری با هم نوعی از مشاهده گری را برای هر دو ایجاد می کند که ممکن است چالش زا باشد. فکر کنید دو همسر، همکاری هم هستند. محبت، شوخی و گفت و گو در باره مسائل زندگی مشترک را در محیط کار حذف می کنند. در عین حال ممکن است یکی از آنها دیگری را در حالی که در حال گفت و گو یا شوخی با همکاری دیگر است ببیند و این آغاز چالش های ارتباطات انسانی و تعامل این دو، چه در محل کار و چه در خانه خواهد بود، در صورتی که هر دو امر انجام شده، (رسمی

سارا مؤمنی  
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



شاید وقتی از سبک زندگی حرف می زنیم فکر می کنیم امری فردی است و فقط مربوط به خودمان می شود، اما نباید یادمان برود که نوع بشریک موجود اجتماعی است و هم بردیگران اثر می گذارد و هم از آنها اثر می پذیرد. سبک زندگی، هر دو وجه فردی و اجتماعی را در کنار هم دارد. موقعیت اجتماعی یکی از ابعاد سبک زندگی است که خودش وجوه مختلفی دارد. مسأله مهم در این نوشته، مواجهه و تداخل نقش ها با هم است. مادری که معلم و دخترش دانش آموز او است؛ همسری که همکار، رئیس یا مرئوس همسرش است؛ خواهی که نویسنده یک گروه تولید فیلمی است که بردارش بازیگر، کارگردان، فیلمبردار و... در همان گروه است؛ دوستی که تازه استخدام شده و به واحد کاری شما اضافه شده است و... همه در موقعیتی قرار می گیرند که در چالش تعامل و رفتار با دیگری در یک شرایط اجتماعی مانند مدرسه، دانشگاه، محل کار و... قرار دارد. علت این که چالش حرف می زیم این است که نسبت و روابط افراد نزدیک به هم در موقعیت های اجتماعی به دلایل مختلف با تعامل آنها در خانه و خارج از محیط کاری تفاوت دارد و ممکن است به یک اختلاف تبدیل شده و کل آن رابطه را تحت تأثیر قرار دهد.

### طعم شیرین خیال آقا زادگی

یکی از چالشی ترین موقعیت های اجتماعی که ممکن است برای افراد اتفاق بیفتد، موقعیتی است که همکار، رئیس یا مرئوس آنها پدر، مادر یا فرزند آنها باشد. این مسأله به قدری چالشی است که نه تنها احتمال دارد نسبت و روابط والدین و فرزند را خدشه دار کند، بلکه دیگران و عموم را نیز تحت تأثیر قرار دهد. یکی از این حالت ها آقا زادگی است. پدر یا مادر، شغل یا مسئولیتی مهم در جامعه داشته و فرزندان آنها از قبل موقعیت اجتماعی والدین وارد محیط کاری می شوند که والدینشان نیز همان جا کار می کنند. در این حالت چالش هایی مانند دخالت های والدگانه والدین در محل کار بر فرزند، عدم استقلال فرزند، وابستگی دائم فکری و عملی به والدین، نشستن حس حمایت همیشگی والد در ذهن فرزند و عدم پشتکار و تلاش او در کار برای بهتر شدن و... را دارد. خیلی از ما ممکن است این موقعیت را دوست داشته باشیم و آن را اصلاً مرتبط با انتخاب و سبک زندگی خودمان ندانیم، اما می خواهیم بگوییم اتفاقاً سبک زندگی در این موقعیت بیشتر و چالشی تر خودش را نشان می دهد، چرا که والد یا فرزند هر کدام در موقعیتی قرار می گیرند که وابسته به نسبت خونی و محبتی خود، این همکاری مشترک به صرف آقا زادگی فرزند را بپذیرند یا خیر. اینجا شایستگی و همان لیاقت وارد ماجرا می شود. تجربه، تحصیلات، سن و موقعیت برابر شبیه بقیه و نه بیشتر، از جمله



در هر موقعیت و نسبت شغلی و کاری،

تعهد، تخصص، وجدان کاری، شایستگی

و لیاقت حرف اول را در رشد فردی

و جمعی می زند

